Submit Date: 28 July 2026
Revise Date: 08 November 2026
Accept Date: 15 November 2026
Initial Publish: 17 November 2026
Final Publish: 22 December 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

The Crime of Assault on Sacred Places from a Human Rights Perspective: A Comparative Study of Iraqi Law and Imami Jurisprudence

Ruhollah Akrami[1]*, Murtadha Mohammed Oudah[2]

1. Professor, Department of Criminal Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
2. PhD Student, Department of Criminal Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

* Corresponding Author's Email: r.akrami@qom.ac.ir

ABSTRACT

Sacred places constitute one of the most tangible manifestations of religious freedom, collective identity, and the spiritual heritage of societies. Assaults against such places may produce consequences that go far beyond material damage by affecting freedom of worship, social security, religious coexistence, and the sense of belonging experienced by religious communities. This issue is particularly significant in Iraq due to its religious and sectarian diversity and the presence of numerous mosques, shrines, holy tombs, husayniyyas, and other religious sites. Using a descriptive-analytical method and a comparative approach, this study examines the offense of assault on sacred places from a human rights perspective through a comparison between Iraqi law and Imami jurisprudence. It analyzes the concept of sacred places, the legal or jurisprudential, material, and mental elements of the offense, its principal manifestations, and the relationship between criminal protection of sacred places and freedom of expression. The findings indicate that Iraqi law protects sacred places through provisions relating to religious rites, destruction, public order, and security, but this protection has not been organized within a comprehensive and independent criminal framework. Imami jurisprudence, by contrast, provides a broader normative foundation through principles such as the prohibition of desecration, the duty to honor religious symbols, the sanctity of mosques, and respect for shrines and sacred religious sites. However, translating these principles into modern criminal law requires adherence to legality, narrow interpretation, and proportionality. The study concludes that Iraqi law could establish a more coherent and human-rights-compatible system by clearly defining the offense, specifying its material forms, requiring knowledge and intent, introducing aggravating circumstances for sectarian motives, and guaranteeing equal protection for sacred places belonging to all religious communities.

Keywords: *Sacred Places, Human Rights, Iraqi Law, Imami Jurisprudence, Freedom of Religion, Desecration*

How to cite: Akrami, R. & Mohammed Oudah, M. (2027). The Crime of Assault on Sacred Places from a Human Rights Perspective: A Comparative Study of Iraqi Law and Imami Jurisprudence. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *5*(5), 1-23.

تاریخ ارسال: ۶ مرداد ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۷ آبان ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۴ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۶ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

جرم تعدی به اماکن مقدس از منظر حقوق بشر؛ مطالعه‌ای تطبیقی میان حقوق عراق و فقه امامی

روح الله اکرمی[1*]، مرتضی محمد عوده العلیاوی[2]

۱. استاد حقوق جزا، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: r.akrami@qom.ac.ir

چکیده

اماکن مقدس از مهم‌ترین جلوه‌های عینی آزادی دین، هویت جمعی و میراث معنوی جوامع به شمار می‌روند و تعرض به آنها می‌تواند افزون بر ایراد خسارت مادی، به آزادی عبادت، امنیت اجتماعی، همزیستی مذهبی و احساس تعلق دینی افراد آسیب وارد کند. اهمیت این موضوع در عراق، به دلیل تنوع دینی و مذهبی و وجود شمار قابل توجهی از مساجد، عتبات، مراقد، حسینیه‌ها و دیگر اماکن دینی، دوچندان است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، جرم تعدی به اماکن مقدس را از منظر حقوق بشر و با مقایسه حقوق عراق و فقه امامی بررسی می‌کند. در این راستا، مفهوم اماکن مقدس، ارکان قانونی یا شرعی، مادی و معنوی جرم، مهم‌ترین مصادیق تعدی و نیز نسبت میان حمایت کیفری از مقدسات و آزادی بیان تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق عراق از طریق مقررات مربوط به شعائر دینی، تخریب، نظم عمومی و امنیت، از اماکن مقدس حمایت می‌کند، اما این حمایت در قالب عنوانی مستقل، جامع و منسجم سامان نیافته است. در مقابل، فقه امامی با تکیه بر مفاهیمی چون حرمت هتک، تعظیم شعائر، حرمت مساجد و لزوم احترام به مشاهد و اماکن دینی، مبنای گسترده‌تری برای حمایت از ارزش معنوی این اماکن فراهم می‌آورد. با این حال، انتقال این مبانی به حقوق کیفری نیازمند رعایت اصل قانونی‌بودن، تفسیر مضیق و تناسب مجازات است. نتیجه پژوهش آن است که حقوق عراق می‌تواند با تعریف دقیق جرم تعدی به اماکن مقدس، تعیین روشن مصادیق مادی، شناسایی عنصر علم و عمد، پیش‌بینی شرایط مشدده برای انگیزه‌های فرقه‌ای و تضمین حمایت برابر از اماکن متعلق به همه ادیان، نظام حمایتی منسجم‌تر و سازگارتر با الزامات حقوق بشر ایجاد کند.

کلیدواژگان: *اماکن مقدس، حقوق بشر، حقوق عراق، فقه امامی، آزادی دین، هتک حرمت*

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

نحوه استناددهی: اکرمی، روح الله.، و محمد عوده العلیاوی، مرتضی. (۱۴۰۶). جرم تعدی به اماکن مقدس از منظر حقوق بشر؛ مطالعه‌ای تطبیقی میان حقوق عراق و فقه امامی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۵)، ۲۳-۱.

مقدمه

اماکن مقدس از مهم‌ترین جلوه‌های عینی باور دینی و از عناصر مؤثر در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی جوامع به شمار می‌آیند. اهمیت این اماکن صرفاً ناشی از ارزش مادی بناها و اموال موجود در آنها نیست، بلکه منشأ اصلی حمایت از آنها در پیوندی قرار دارد که میان مکان، اعتقاد دینی، شعائر عبادی و احساس تعلق جمعی برقرار می‌شود. در مطالعات مربوط به باورهای دینی، مکان مقدس به فضایی اطلاق شده است که به سبب انتساب به امر قدسی، شخصیت دینی، واقعه مذهبی یا کارکرد عبادی، در وجدان پیروان یک دین از حرمت ویژه برخوردار می‌شود (al-Fishawi, 2007). از این منظر، تعرض به یک مسجد، کلیسا، زیارتگاه یا مرقد مذهبی تنها ورود خسارت به یک ساختمان نیست، بلکه می‌تواند در سطحی وسیع‌تر به احساس امنیت دینی، امکان اجرای مناسک و هویت جمعی پیروان آن دین آسیب وارد کند. همین ویژگی سبب شده است که حمایت از اماکن مقدس در حقوق معاصر با موضوعاتی چون آزادی دین و عقیده، منع تبعیض، حمایت از اقلیت‌های دینی و حق برخورداری از امنیت در اجرای شعائر مذهبی پیوند بخورد (Fahmi, 2012). در فقه اسلامی نیز مکان عبادت به دلیل کارکرد ویژه آن در تقرب به خداوند و اقامه شعائر، واجد احکام خاص دانسته شده است و تعرض به حرمت آن، صرفاً تعرض به مال یا بنا تلقی نمی‌شود (al-Khudayri, 2001). به همین دلیل، بررسی جرم تعدی به اماکن مقدس باید فراتر از تحلیل سنتی جرایم علیه اموال صورت گیرد و ابعاد اعتقادی، اجتماعی و حقوق بشری آن نیز در نظر گرفته شود.

ویژگی چنددینی و چندمذهبی جامعه عراق اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند. عراق افزون بر برخورداری از مساجد و مراکز عبادی متعدد، محل استقرار شمار قابل توجهی از عتبات، مراقد، زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس متعلق به گروه‌های مختلف دینی و مذهبی است. برخی از این اماکن صرفاً محل عبادت نیستند، بلکه در تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه عراق نقشی محوری داشته‌اند. درباره کربلا، برای مثال، معماری و توسعه اماکن مقدس با شکل‌گیری هویت تاریخی و اجتماعی شهر ارتباط عمیق داشته است (al-Ansari, 2006). از سوی دیگر، مسجد در منابع فقهی نه فقط محل برگزاری نماز، بلکه فضایی با حرمت مستقل و احکام ویژه تلقی شده است (al-Saidi, 2009). این وضعیت سبب می‌شود که هرگونه تخریب، بی‌حرمتی یا اخلال در استفاده از اماکن مقدس در عراق بتواند آثاری فراتر از بزه‌دیدگی مستقیم صاحبان یا متولیان بنا ایجاد کند و در موارد شدید، موجب تنش مذهبی، احساس تبعیض، گسترش نفرت و تهدید همزیستی گروه‌های اجتماعی شود. از همین رو، واکنش کیفری به چنین رفتارهایی باید همزمان دو ضرورت را تأمین کند: نخست، حمایت مؤثر از آزادی دین و اجرای شعائر، و دوم، رعایت حدود مداخله کیفری به نحوی که حمایت از مقدسات به ابزاری برای سرکوب عقاید، نقد یا آزادی مشروع بیان تبدیل نشود.

در حقوق کیفری، جرم‌انگاری هنگامی مشروع و قابل دفاع است که رفتار مورد منع به اندازه کافی مشخص باشد و مرز میان رفتار مجرمانه و رفتار مجاز برای شهروندان قابل پیش‌بینی باقی بماند. در شرح اصول عمومی حقوق کیفری عراق نیز تأکید شده است که مسئولیت کیفری باید به رفتار مشخصی متصل باشد که عناصر قانونی، مادی و روانی آن قابل احراز است (al-Hadithi & al-Zubi, 2010). اهمیت این اصل در جرایم مرتبط با دین بیشتر است؛ زیرا مفاهیمی مانند «اهانت»، «هتک حرمت»، «تقدس» یا «تحقیر شعائر» در صورت فقدان تعریف دقیق ممکن است با برداشت‌های شخصی، فرهنگی یا سیاسی متفاوت تفسیر شوند. مطالعات مربوط به جرم تحقیر ادیان نیز نشان می‌دهد که چالش اساسی در این حوزه، ایجاد تعادل میان حمایت از آزادی دینی و جلوگیری از توسل ناموجه به حقوق کیفری برای محدودکردن آزادی بیان است (Kari & Ibraqi, 2018). بنابراین، موضوع

تعدی به اماکن مقدس زمانی از منظر حقوق بشر قابل تحلیل دقیق است که میان حمایت از حق اشخاص برای عبادت و دسترسی امن به اماکن مذهبی، از یک‌سو، و حمایت از آزادی اندیشه و بیان، از سوی دیگر، تفکیک روشنی برقرار شود.

مفهوم «تعدی» در این حوزه نیز معنایی گسترده‌تر از تخریب فیزیکی دارد. در ادبیات کیفری، تخریب و اتلاف از مصادیق کلاسیک رفتارهای زیان‌بار نسبت به اموال هستند و هر یک بسته به میزان آسیب، قابلیت انتفاع و نتیجه رفتار مرتکب واجد اوصاف حقوقی خاصی‌اند (Abd al-Tawwab, 1989). اما در مورد اماکن مقدس، رفتار زیان‌بار ممکن است بدون تخریب ساختار بنا تحقق یابد؛ برای مثال آلوده‌کردن عمدی یک مکان عبادی، نگارش عبارات تحقیرآمیز بر دیوارهای آن، جلوگیری از ورود پیروان یک دین، ایجاد اخلال عمدی در مراسم عبادی یا استفاده از تهدید و خشونت برای تعطیل‌کردن شعائر، همگی می‌توانند ماهیت تعدی داشته باشند. حمایت از باورها و شعائر دینی نیز به همین جهت فقط به مصونیت فیزیکی بنا محدود نمی‌شود و شامل تضمین امکان استفاده واقعی از آن در اجرای مراسم مذهبی است (Fahmi, 2012). از این منظر، موضوع حمایت قانونی ترکیبی از حمایت از «مکان»، «کارکرد عبادی مکان» و «حقوق اشخاص استفاده‌کننده از آن» است.

فقه امامی در زمینه حرمت اماکن مذهبی از مبانی گسترده‌ای برخوردار است. اصل تعظیم شعائر، حرمت هتک مقدسات، وجوب حفظ حرمت مساجد، لزوم جلوگیری از تنجیس و ضرورت صیانت از اماکنی که به عبادت یا شخصیت‌های مورد احترام دینی اختصاص یافته‌اند، چارچوبی را ایجاد می‌کند که در آن تعرض به مکان مقدس واجد حکمی مستقل از خسارت مالی صرف است. در آثار فقهی، حرمت هتک مسجد و ضرورت رفع نجاست از آن از احکام مورد توجه فقها بوده است (al-Shahid al-Thani, 1992). در منابع فقهی متأخر نیز درباره حفظ حرمت مشاهد و اماکن مذهبی، مسئولیت اشخاص در برابر رفتارهای موهن و امکان واکنش تعزیری بحث شده است (al-Khoei, 1987). افزون بر این، مبانی مربوط به احترام شعائر و مقدسات، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که حمایت فقهی تنها به خسارت مادی محدود نماند. از این حیث، مقایسه فقه امامی با حقوق عراق می‌تواند نشان دهد که چگونه یک نظام فقهی مبتنی بر مفهوم «حرمت» و یک نظام حقوقی مبتنی بر «جرم و مجازات قانونی» می‌توانند در موضوع واحد به نتایج نزدیک یا متفاوت برسند.

در سوی دیگر، مداخله کیفری در حمایت از مقدسات با مسئله آزادی بیان مواجه است. مفهوم حمایت از دین نباید با حمایت از هرگونه برداشت یا تفسیر دینی یکسان تلقی شود. در پژوهش‌های مرتبط با مسئولیت کیفری در زمینه تعرض به اعتقادات و مقدسات تأکید شده است که حمایت کیفری مشروع زمانی قابل دفاع است که هدف آن جلوگیری از لطمه به حقوق اشخاص، ایجاد نفرت، خشونت یا اخلال واقعی در آزادی دینی باشد، نه صرفاً جلوگیری از نقد اعتقادات (al-Rifai, 2007). همچنین جرایم مربوط به رسانه و نشر نشان می‌دهند که میان انتشار یک دیدگاه انتقادی و رفتاری که متضمن توهین هدفمند یا تحریک به تعرض به اشخاص و اماکن است باید تمایز گذاشته شود (Surur, 2008). این مرزبندی برای جامعه‌ای مانند عراق، که اختلافات مذهبی می‌تواند پیامدهای امنیتی و اجتماعی جدی ایجاد کند، اهمیت مضاعف دارد.

هدف این پژوهش تبیین ماهیت و عناصر جرم تعدی به اماکن مقدس، بررسی این جرم از منظر حقوق بشر و سپس مقایسه شیوه حمایت از اماکن مقدس در حقوق عراق و فقه امامی است. مسئله اصلی آن است که آیا چارچوب موجود حقوق عراق برای حمایت مؤثر و در عین حال حقوق‌بنیاد از اماکن مقدس کفایت می‌کند و مبانی فقه امامی تا چه اندازه می‌توانند در تبیین حدود این حمایت و رفع کاستی‌های تقنینی مفید باشند. فرض اساسی پژوهش آن

است که میان دو نظام در اصل ضرورت حمایت از اماکن مقدس همگرایی قابل توجهی وجود دارد، اما از حیث مبانی، قلمرو رفتارهای ممنوع، شیوه تعیین ضمانت اجرا و نحوه ارتباط این حمایت با آزادی‌های بنیادین تفاوت‌هایی دیده می‌شود. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی است و تلاش می‌شود با تمرکز بر مطالب مرتبط با موضوع، از ورود به مباحث تاریخی یا توصیفی فاقد تأثیر مستقیم بر تحلیل حقوقی پرهیز شود.

مفهوم و ارکان جرم تعدی به اماکن مقدس

تعیین مفهوم «مکان مقدس» نخستین گام در تحلیل جرم تعدی به آن است؛ زیرا بدون تعیین موضوع حمایت، نمی‌توان قلمرو رفتار مجرمانه را مشخص کرد. در معنای لغوی، مکان به محل استقرار شیء یا شخص اطلاق می‌شود و وصف مقدس دلالت بر نوعی احترام، تنزه و مصونیت ویژه دارد. فرهنگ‌های لغوی عربی واژگان مربوط به مکان، حرمت و تعدی را در پیوند با مفاهیمی چون تجاوز از حد، احترام و منع تعرض تحلیل کرده‌اند (Ibn Manzur, 2004). در منابع لغوی دیگر نیز «تعدی» متضمن عبور از حدود و تجاوز به قلمرویی است که رعایت آن لازم شناخته شده است (al-Razi, 1983). با این حال، تعریف حقوقی مکان مقدس نمی‌تواند صرفاً بر مفاهیم لغوی تکیه کند؛ بلکه باید معیارهایی عینی برای شناسایی آن ارائه شود. در ادبیات مربوط به باورهای دینی، تقدس یک مکان معمولاً از انتساب آن به عبادت، شخصیت مقدس، واقعه دینی یا سنت مستمر جامعه مذهبی ناشی می‌شود (al-Fishawi, 2007). بنابراین، مکان مقدس را می‌توان فضایی دانست که به موجب قانون، عرف دینی معتبر یا کارکرد مستمر مذهبی، برای یک جامعه دینی دارای احترام ویژه و محل اجرای عبادت، زیارت یا شعائر شناخته شده است. در زمینه اسلامی، مسجد روشن‌ترین مصداق مکان مقدس است. منابع فقهی مسجد را مکانی اختصاص‌یافته برای عبادت و سجده در برابر خداوند می‌دانند و برای آن احکامی مانند حرمت تنجیس، ضرورت پاک‌سازی نجاست و رعایت رفتارهای متناسب با شأن عبادت مقرر می‌کنند (al-Khudayri, 2001). احکام مربوط به مساجد نشان می‌دهد که تقدس آنها تنها نتیجه مالکیت یا وقف نیست، بلکه ناشی از تغییر ماهیت حقوقی و شرعی مکان پس از اختصاص آن به عبادت است (al-Saidi, 2009). در عراق، مفهوم اماکن مقدس از مسجد فراتر می‌رود و شامل عتبات، مراقد، زیارتگاه‌ها و حسینیه‌ها نیز می‌شود. معماری و کارکرد اجتماعی عتبات در شهرهایی مانند کربلا نشان می‌دهد که این اماکن علاوه بر نقش عبادی، در سازمان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت دارند (al-Ansari, 2006). در نتیجه، تعریف حقوقی باید به اندازه‌ای گسترده باشد که مصادیق واقعی مکان مقدس را پوشش دهد، اما نباید چنان مبهم باشد که هر مکان دارای ارزش شخصی یا فرهنگی بدون معیار مشخص در قلمرو حمایت کیفری ویژه قرار گیرد.

تعدی به اماکن مقدس را نمی‌توان با جرم تخریب یکسان دانست. تخریب در حقوق کیفری عموماً رفتاری است که به تمامیت فیزیکی یا قابلیت استفاده مال آسیب می‌رساند. در تحلیل جرایم تخریب، از بین‌بردن کامل مال، کاهش قابلیت انتفاع یا واردکردن تغییر اساسی در وضعیت آن از مصادیق اصلی رفتار مادی شمرده شده است (Abd al-Latif, 2002). همچنین در شرح جرایم تخریب و اتلاف، تفاوت میان نابودی کامل، صدمه جزئی و ایجاد تغییر در ظاهر یا قابلیت استفاده مال مورد توجه قرار گرفته است (Abd al-Tawwab, 1989). در جرم مورد بحث، این رفتارها زمانی وصف خاص پیدا می‌کنند که موضوع آنها مکان مقدس باشد و مرتکب نسبت به این ویژگی آگاهی داشته باشد. بنابراین، شکستن بخشی از بنای یک مسجد، آتش‌زدن یک زیارتگاه، تخریب وسایل ضروری عبادت یا ایجاد خسارتی که امکان استفاده دینی از بنا را مختل کند، علاوه بر جنبه مالی، به ارزش معنوی مورد حمایت نیز تعرض می‌کند.

مخدوش‌کردن یا هتک حرمت ممکن است بدون تخریب قابل توجه بنا تحقق پیدا کند. نوشتن عبارات توهین‌آمیز بر دیوار عبادتگاه، قرار دادن نمادهای تحقیرکننده در آن، آلوده‌کردن عمدی فضای عبادی یا انجام رفتاری که با هدف بی‌احترامی آشکار به کارکرد مذهبی مکان صورت گیرد، نمونه‌هایی از این وضعیت هستند. مطالعه جرایم مربوط به تصرف و تعرض به اموال نشان داده است که لطمه به وضعیت ظاهری یا نحوه استفاده از مال نیز می‌تواند واجد اهمیت کیفری باشد، حتی اگر نابودی کامل رخ ندهد (al-Ibrahimi, 2005). در مورد اماکن مقدس، اهمیت این رفتار تشدید می‌شود، زیرا لطمه ظاهری می‌تواند حامل پیام توهین، تهدید یا طرد یک گروه مذهبی باشد. همین جنبه نمادین است که جرم تعدی را از برخی جرایم عادی علیه اموال متمایز می‌کند.

رکن قانونی در نظام حقوقی عراق مستلزم آن است که رفتار قابل مجازات از پیش در قانون پیش‌بینی شده باشد. اصول عمومی حقوق کیفری بر این مبنا استوارند که هیچ شخصی را نمی‌توان صرفاً بر اساس قبح اجتماعی یا اخلاقی یک رفتار مجازات کرد، بلکه باید عنوان مجرمانه و ضمانت اجرای آن به نحو قانونی قابل استناد باشد (al-Said, 2009). تحلیل ساختار قانون مجازات عراق نیز نشان می‌دهد که عناصر جرم باید در محدوده نص کیفری تفسیر شوند و توسعه دامنه مسئولیت از طریق قیاس یا برداشت‌های موسع با اصل قانونی‌بودن سازگار نیست (al-Hadithi & al-Zubi, 2010). در زمینه تعدی به اماکن مقدس، مقررات عراق عمدتاً از طریق قواعد مربوط به تعرض به شعائر، بناهای مورد استفاده دینی و اشیای دارای حرمت مذهبی حمایت ایجاد می‌کنند. این شیوه هرچند امکان برخورد با بخش مهمی از رفتارهای زیان‌بار را فراهم می‌کند، اما مسئله میزان صراحت و جامعیت حمایت ویژه از خود اماکن مقدس همچنان قابل بررسی است.

در فقه امامی، مفهوم رکن شرعی بر وجود حکم معتبر شرعی مبنی بر حرمت رفتار و امکان ترتب ضمانت اجرا استوار است. برخلاف نظام قانون‌گذاری مدرن که عنوان جرم باید در متن مصوب بیان شود، در نظام فقهی حکم می‌تواند از قرآن، سنت، اجماع، قواعد فقهی و استنباط معتبر استخراج شود. قاعده حرمت هتک از مبانی اصلی در این زمینه است و برخی آثار فقهی، اهانت به موضوعاتی را که شارع برای آنها حرمت ویژه مقرر کرده است ممنوع می‌دانند (al-Bujnurdi, 1989). درباره مساجد و مشاهد نیز فقهای امامیه به لزوم رعایت حرمت و منع رفتارهای ناسازگار با شأن آنها پرداخته‌اند (al-Ardabili, 1995). دیدگاه‌های فقهی متأخر نیز نشان می‌دهد که تعرض عمدی به حرمت مشاهد و اماکن وابسته به اولیای دینی می‌تواند موجب واکنش تعزیری شود (al-Sistani, 2017). در نتیجه، مبنای فقهی ممنوعیت رفتار گسترده‌تر از یک عنوان خاص قانونی است، هرچند در تبدیل آن به سیاست کیفری دولتی رعایت اصول قانونی‌بودن و تعیین دقیق رفتار ممنوع ضروری است.

رکن مادی جرم می‌تواند در قالب فعل مثبت یا در مواردی ترک فعل مؤثر تحقق یابد. بارزترین شکل آن تخریب، اتلاف، آتش‌زدن یا مخدوش‌کردن است، اما قلمرو رفتار مادی به این موارد محدود نیست. جلوگیری عمدی از برگزاری مراسم دینی، بستن غیرقانونی محل عبادت، ایجاد مانع فیزیکی برای دسترسی پیروان یک دین، ایجاد آشوب با هدف تعطیل‌کردن شعائر یا اعمال خشونت علیه عبادت‌کنندگان در داخل مکان مقدس نیز می‌تواند جزء رفتارهای مشمول حمایت قرار گیرد. حمایت حقوقی از شعائر دینی هنگامی مؤثر است که نه فقط وجود بنا، بلکه امکان واقعی بهره‌برداری از آن برای عبادت محفوظ بماند (Fahmi, 2012). از همین جهت، اگر مکانی بدون آسیب فیزیکی باقی بماند ولی گروهی از طریق تهدید مستمر از ورود به آن منع شوند، ارزش مورد حمایت حقوقی همچنان نقض شده است.

در تشخیص نتیجه مجرمانه نیز باید میان گونه‌های مختلف رفتار تفاوت گذاشت. برخی اعمال مانند مخدوش‌کردن یا هتک آشکار یک مکان می‌توانند با صرف انجام رفتار کامل شوند و نیازمند نتیجه‌ای جداگانه نباشند؛ در مقابل، رفتارهایی مانند جلوگیری از مراسم ممکن است مستلزم آن باشند که اخلال یا ممانعت واقعاً تحقق یافته باشد. اصول عمومی مسئولیت کیفری، لزوم تعیین ارتباط میان فعل و نتیجه را در جرایم مقید مورد تأکید قرار می‌دهند (Abd al-Muttalib, 2010). بنابراین، اگر نتیجه‌ای مانند تعطیلی مراسم به علتی کاملاً مستقل از رفتار متهم رخ داده باشد، انتساب کیفری آن نتیجه نیازمند بررسی رابطه سببیت است. این تفکیک به‌ویژه در حوادث جمعی و ناآرامی‌ها اهمیت دارد، زیرا ممکن است عوامل متعدد به صورت همزمان در توقف یک مراسم یا ورود خسارت به مکان نقش داشته باشند.

رکن معنوی نیز از عناصر بنیادین جرم تعدی است. صرف وقوع خسارت در مکان مقدس نمی‌تواند همیشه مسئولیت کیفری خاص ایجاد کند. ممکن است شخصی بدون آگاهی از ماهیت دینی مکان یا بدون اراده نسبت به نتیجه، خسارتی ایجاد کند که در این صورت وضعیت او با کسی که آگاهانه و با هدف هتک حرمت وارد عمل می‌شود یکسان نیست. در حقوق کیفری عراق، قصد مجرمانه متضمن آگاهی مرتکب از عناصر اساسی رفتار و جهت‌گیری اراده او به سوی انجام فعل ممنوع است (al-Hadithi & al-Zubi, 2010). ادبیات حقوق کیفری نیز میان انگیزه و قصد تفاوت می‌گذارد؛ انگیزه ممکن است سیاسی، مذهبی، شخصی یا انتقام‌جویانه باشد، در حالی که برای تحقق بسیاری از جرایم عمدی، آگاهی و اراده نسبت به رفتار ممنوع کفایت می‌کند (Said, 2009). بر این اساس، اگر شخص بداند مکانی عبادتگاه است و عمداً آن را تخریب یا مخدوش کند، ادعای اینکه انگیزه او اعتراض سیاسی بوده است، لزوماً قصد کیفری را از میان نمی‌برد.

با این حال، در برخی مصادیق، قصد خاص می‌تواند در تعیین عنوان یا شدت جرم اهمیت یابد. برای مثال، آتش‌زدن بخشی از یک بنا به انگیزه مالی با تخریب همان بنا با هدف ایجاد نفرت مذهبی ممکن است از حیث پیامد اجتماعی و میزان خطر تفاوت جدی داشته باشد. در جرم‌شناسی و سیاست کیفری، انگیزه‌های مرتبط با نفرت یا خصومت جمعی می‌توانند در ارزیابی خطرناکی رفتار و تناسب مجازات مورد توجه قرار گیرند (Abd al-Sattar, 1985). همچنین بحث شرایط مشدده نشان می‌دهد که اوضاع و احوال ارتکاب، اهداف مرتکب و آثار اجتماعی جرم در موارد مشخص می‌توانند توجیه‌کننده واکنش شدیدتر باشند (Aris, 2002). بنابراین، هرچند قصد عام ممکن است برای تحقق اصل جرم کافی باشد، انگیزه مذهبی یا طایفه‌ای می‌تواند در مرحله تعیین مجازات یا انطباق عنوان شدیدتر اهمیت پیدا کند.

عنصر علم به قداست مکان نیز باید با دقت احراز شود. در مورد اماکن مشهور مانند مساجد، کلیساهای دارای علائم آشکار، عتبات شناخته‌شده یا زیارتگاه‌های عمومی، اثبات آگاهی معمولاً دشوار نیست. اما درباره محل‌هایی که کارکرد دینی آنها آشکار نیست، نمی‌توان همواره علم مرتکب را مفروض دانست. اصل شخصی‌بودن مسئولیت کیفری ایجاب می‌کند که وضعیت ذهنی متهم از قرائن و شرایط واقعی استنباط شود (Najm, 1991). این امر از توسعه ناموجه قلمرو جرم جلوگیری می‌کند و با اصل تفسیر مضیق نصوص کیفری سازگار است.

در مجموع، جرم تعدی به اماکن مقدس جرمی چندوجهی است که موضوع آن هم ارزش مادی و هم ارزش معنوی را دربرمی‌گیرد. رفتار مجرمانه می‌تواند تخریب، اتلاف، مخدوش‌کردن، هتک، اخلال در شعائر یا محروم‌کردن اشخاص از استفاده دینی از مکان باشد؛ اما برای تحقق مسئولیت باید عناصر قانونی، مادی و روانی به صورت مشخص احراز شوند. همین ضرورت زمینه را برای بررسی حقوق بشری جرم فراهم می‌کند، زیرا حمایت مؤثر از

مقدسات زمانی مشروع است که مرز رفتار ممنوع شفاف باشد و مجازات به رفتارهایی محدود شود که واقعاً به حقوق اشخاص، آزادی عبادت، امنیت اجتماعی یا حرمت عینی مکان مقدس آسیب وارد می‌کنند.

تعدی به اماکن مقدس از منظر حقوق بشر

حقوق بشر معاصر حمایت از اماکن مقدس را عمدتاً نه از مسیر شناسایی «حق دین بر مصونیت از انتقاد»، بلکه از طریق تضمین حقوق اشخاص و گروه‌ها در برخورداری از آزادی دین، انجام عبادت و اجرای شعائر مورد توجه قرار می‌دهد. آزادی دین تنها حقی درونی برای داشتن عقیده نیست، بلکه دارای بعد خارجی است و امکان ابراز اعتقاد از طریق عبادت، مناسک، آموزش و گردهمایی را نیز دربرمی‌گیرد. پژوهش‌های مربوط به حمایت حقوقی از اعتقادات و شعائر تأکید کرده‌اند که دسترسی به محل مناسب برای عبادت و امکان برگزاری مراسم بدون تبعیض یا خشونت از عناصر عملی آزادی دینی است (Fahmi, 2012). بنابراین، هنگامی که مسجد، کلیسا، معبد یا زیارتگاهی عمداً تخریب یا تعطیل می‌شود، لطمه صرفاً متوجه مالکیت بنا نیست، بلکه توانایی اشخاص برای اعمال آزادی دینی نیز محدود می‌شود. این تحلیل به‌ویژه در مورد اقلیت‌های مذهبی اهمیت دارد. برای گروهی که شمار عبادتگاه‌های آن محدود است، تخریب یک مکان مقدس ممکن است عملاً امکان اجرای جمعی دین را در منطقه‌ای خاص از میان ببرد. حقوق بشر در اینجا از برابری و منع تبعیض نیز حمایت می‌کند؛ یعنی دولت نمی‌تواند فقط اماکن متعلق به دین اکثریت را مورد حمایت قرار دهد و در برابر تعرض به عبادتگاه‌های اقلیت‌ها بی‌تفاوت باشد. در تحلیل حقوقی شعائر، منع تبعیض مذهبی یکی از ارکان حمایت مؤثر شناخته شده است (Fahmi, 2012). از این رو، جرم‌انگاری تعدی به اماکن مقدس زمانی با رویکرد حقوق بشری سازگار است که مبنای حمایت، وضعیت برابر افراد در برخورداری از آزادی دینی باشد و همه ادیان و مذاهبی را که قانوناً امکان فعالیت دارند تحت پوشش قرار دهد.

حمایت از مکان مقدس همچنین با مفهوم امنیت شخصی و جمعی ارتباط پیدا می‌کند. حمله به عبادتگاه در بسیاری از موارد در زمانی رخ می‌دهد که افراد برای نماز، زیارت یا مراسم جمعی در آن حضور دارند و بنابراین رفتار می‌تواند همزمان تهدیدی علیه جان و تمامیت جسمانی آنان باشد. افزون بر این، حتی در صورت فقدان آسیب جسمانی، تکرار حملات یا تهدیدها می‌تواند گروه دینی را از استفاده از مکان منصرف کند. چنین وضعیتی به ایجاد ترس ساختاری و محدودیت غیرمستقیم آزادی دین منجر می‌شود. مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که آثار برخی جرایم از بزه‌دیده مستقیم فراتر می‌رود و احساس ناامنی را در کل گروه اجتماعی گسترش می‌دهد (Najm, 1991). در جرایم دارای انگیزه مذهبی، همین اثر جمعی یکی از دلایلی است که حمایت کیفری ویژه را قابل توجیه می‌سازد.

از منظر بین‌المللی، اماکن مقدس علاوه بر کارکرد مذهبی ممکن است بخشی از میراث فرهنگی و تاریخی یک ملت باشند. برخی زیارتگاه‌ها و بناهای مذهبی دارای ارزش‌هایی‌اند که به پیروان یک دین محدود نمی‌شوند و تخریب آنها خسارتی به حافظه فرهنگی جامعه بشری محسوب می‌شود. بررسی وضعیت اماکن دینی مقدس در حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که حمایت از آنها می‌تواند همزمان بر مبانی آزادی دین و حفاظت از میراث فرهنگی استوار باشد (Mustafa, 2007). این دو مبنا در زمان مخاصمات مسلحانه اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند؛ زیرا حملات عمدی به اماکن مذهبی گاه بخشی از راهبرد حذف فرهنگی، ایجاد رعب یا نابودی هویت گروه مقابل هستند. در چنین وضعیتی، تخریب یک بنا صرفاً عملیات علیه مال نیست و می‌تواند بخشی از سیاست وسیع‌تر آزار یک جامعه مذهبی باشد.

با این حال، تحلیل حقوق بشری باید میان «تعدی به مکان مقدس» و «توهین یا نقد دین» تمایز قائل شود. این دو مفهوم ممکن است در گفتمان عمومی به هم نزدیک شوند، اما از نظر حقوقی ماهیت متفاوتی دارند. تخریب یک عبادتگاه، جلوگیری از دسترسی به آن یا تهدید عبادت‌کنندگان مستقیماً حقوق اشخاص را نقض می‌کند، در حالی که نقد یک عقیده دینی لزوماً چنین اثری ندارد. پژوهش مربوط به تحقیر ادیان در نظام‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که جرم‌انگاری گسترده توهین به دین می‌تواند با آزادی بیان تعارض پیدا کند، به‌خصوص زمانی که مفهوم توهین فاقد معیار روشن باشد (Kari & Ibraqi, 2018). مسئولیت کیفری در این زمینه باید بر آسیبی عینی و قابل شناسایی استوار باشد و نباید صرف آزرده‌شدن ذهنی گروهی از مخاطبان را بدون معیار دیگر کافی تلقی کرد.

از همین زاویه، مفهوم «هتک حرمت» نیز نیازمند تعریف محدود و حقوقی است. در فقه و فرهنگ دینی، هتک ممکن است طیف گسترده‌ای از رفتارهای خلاف احترام را شامل شود، اما هنگامی که این مفهوم وارد حقوق کیفری دولتی می‌شود باید به رفتارهای معین و قابل پیش‌بینی محدود گردد. بررسی تطبیقی جرایم تعرض به حرمت ادیان نشان می‌دهد که فقدان مرز دقیق میان نقد، بی‌احترامی و تحریک به دشمنی می‌تواند زمینه اعمال سلیقه‌ای قانون را ایجاد کند (al-Kharashi, 2016). بنابراین، اگر قانون‌گذار قصد حمایت ویژه از اماکن مقدس را دارد، بهتر است مصادیقی مانند تخریب، آتش‌زدن، آلوده‌کردن عمدی، ورود غیرمجاز همراه با هتک، اخلال عمدی در شعائر و تهدید استفاده‌کنندگان را به روشنی بیان کند.

آزادی بیان در عین اهمیت، حقی مطلق نیست و در شرایط مشخص ممکن است برای حمایت از حقوق دیگران یا نظم عمومی محدود شود. مسئله اصلی، رعایت ضرورت و تناسب است. در تحلیل مسئولیت کیفری ناشی از تعرض به مقدسات، تأکید شده است که محدودیت بیان هنگامی قابل دفاع‌تر است که ارتباط مستقیمی با جلوگیری از خشونت، نفرت یا تعرض به حقوق پیروان ادیان داشته باشد (al-Rifai, 2007). همین رویکرد امکان تمایز میان انتشار نقد علمی درباره یک عقیده و تحریک اشخاص به حمله به عبادتگاه‌های آن دین را فراهم می‌کند. جرایم نشر نیز نشان می‌دهند که محتوا، شیوه انتشار، قصد و پیامد احتمالی بیان در ارزیابی مسئولیت نقش دارند (Surur, 2008). بنابراین، حمایت از اماکن مقدس نباید به مصونیت عقاید از نقد تبدیل شود، بلکه باید از اشخاص و امکان واقعی اعمال دین در برابر تعرض حمایت کند.

پیشرفت فناوری و شبکه‌های ارتباطی نیز ابعاد تازه‌ای به موضوع داده است. تحریک به تخریب اماکن مقدس، انتشار اطلاعات برای تسهیل حمله یا سازمان‌دهی اقدامات خشونت‌آمیز ممکن است از طریق سامانه‌های الکترونیکی صورت گیرد. حقوق کیفری مرتبط با جرایم فناوری اطلاعات نشان می‌دهد که فضای دیجیتال صرفاً ابزار انتقال پیام نیست و در مواردی می‌تواند وسیله مستقیم تسهیل یا سازمان‌دهی رفتار مجرمانه باشد (al-Zubi, 2017). از این جهت، سیاست کیفری درباره اماکن مقدس باید امکان واکنش به تحریک مؤثر یا مشارکت دیجیتال در عملیات تخریب را داشته باشد، اما بار دیگر لازم است میان بیان صرف و رفتاری که واقعاً واجد عناصر معاونت، تحریک یا سازمان‌دهی جرم است تفکیک شود.

اصل تناسب در مجازات نیز بخشی از رویکرد حقوق بشری است. یکسان‌دانستن همه رفتارها از اظهارنظر موهن تا تخریب گسترده یک زیارتگاه با سلاح یا مواد آتش‌زا، با منطق عدالت کیفری سازگار نیست. ادبیات مربوط به کیفر بر لزوم تناسب میان شدت واکنش، میزان زیان و درجه تقصیر مرتکب تأکید می‌کند (Abd al-Sattar, 1985). شرایط مشدده زمانی موجه‌اند که عوامل اضافی مانند انگیزه فرقه‌ای، استفاده از خشونت، ایجاد خسارت

گسترده یا به خطرانداختن جان اشخاص وجود داشته باشد (Aris, 2002). بنابراین، حمایت حقوق بشری از اماکن مقدس نه تنها مستلزم جرم‌انگاری مؤثر، بلکه نیازمند نظام مجازاتی درجه‌بندی‌شده است.

یکی دیگر از الزامات مهم، عدم تبعیض در اعمال قانون است. اگر تعرض به مکان مقدس یک گروه به‌سرعت با واکنش شدید مواجه شود اما حمله به عبادتگاه گروه دیگر نادیده گرفته شود، خود نظام عدالت کیفری به عامل بی‌اعتمادی و اختلاف مذهبی تبدیل خواهد شد. حمایت از آزادی مذهب تنها از طریق وجود قانون حاصل نمی‌شود؛ اجرای بی‌طرفانه آن نیز ضرورت دارد. رویکرد حقوقی به عدم تبعیض در زمینه باورهای دینی بر همین جنبه اجرایی تأکید دارد (Fahmi, 2012). در نتیجه، دادستانی، پلیس و دادگاه‌ها باید معیارهای یکسانی برای تشخیص تعدی و تعیین مسئولیت داشته باشند.

حمایت از اماکن مقدس همچنین دارای بعد پیشگیرانه است. سیاست جنایی صرفاً پس از وقوع تخریب وارد عمل نمی‌شود؛ شناسایی تهدیدهای جدی، تأمین امنیت مراسم پرجمعیت و جلوگیری از تحریک مستقیم به حمله نیز بخشی از وظیفه دولت در حمایت از آزادی دینی است. جرم‌شناسی کیفری بر نقش پیشگیری و کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم در کنار مجازات تأکید دارد (Najm, 1991). با این حال، اقدامات پیشگیرانه نیز باید متناسب باشند و نباید به کنترل فراگیر گروه‌های مذهبی یا محدودکردن اجتماعات مسالمت‌آمیز منجر شوند.

در مجموع، رویکرد حقوق بشر به جرم تعدی بر اماکن مقدس بر محور حمایت از انسان و حقوق او شکل می‌گیرد. مکان مقدس مورد حمایت است زیرا بستر عینی اعمال آزادی دین، هویت فرهنگی و زندگی جمعی اشخاص است. این مبنا امکان دفاع از جرم‌انگاری تخریب، هتک مادی، اخلال خشونت‌آمیز و ممانعت از عبادت را فراهم می‌کند، اما همزمان مانع از آن می‌شود که مفهوم مقدسات به عنوان ابزاری برای محدودسازی نامتناسب آزادی اندیشه یا بیان به کار گرفته شود. تعادل میان این دو سوی مسئله باید مبنای ارزیابی حقوق عراق و مقایسه آن با فقه امامی قرار گیرد.

تحلیل جرم تعدی به اماکن مقدس در حقوق عراق و فقه امامی

حقوق عراق برای حمایت از دین و شعائر مذهبی از مجموعه‌ای از قواعد قانون اساسی، کیفری و مقررات خاص بهره می‌گیرد، اما حمایت موجود در همه موارد در قالب عنوان مستقل «تعدی به اماکن مقدس» صورت‌بندی نشده است. مقررات کیفری عراق از طریق جرم‌انگاری تعرض به شعائر، اخلال عمدی در مراسم دینی و تخریب یا هتک بناها و اشیای مورد احترام مذهبی بخشی از این حوزه را پوشش می‌دهد. در شرح ساختار قانون مجازات عراق، مسئولیت کیفری بر انطباق رفتار با نص قانونی و احراز عناصر عینی و ذهنی جرم استوار است (al-Hadithi & al-Zubi, 2010). از این رو، حمایت از مکان مقدس نیز در عمل به این بستگی دارد که رفتار مرتکب در یکی از عناوین موجود قابل جای‌دادن باشد. مزیت این وضعیت رعایت اصل قانونی‌بودن است، اما کاستی آن هنگامی آشکار می‌شود که رفتار زیان‌بار واجد ماهیت خاص دینی باشد ولی نص موجود آن را به روشنی پوشش ندهد. در حقوق عراق، حمله به یک مکان مقدس ممکن است همزمان تحت چند عنوان قابل بررسی باشد. اگر رفتار متضمن تخریب بنا باشد، قواعد مربوط به تخریب اموال مطرح می‌شود؛ اگر هدف اخلال در عبادت باشد، مقررات ناظر به شعائر دینی اهمیت پیدا می‌کند؛ و اگر عمل بخشی از فعالیت خشونت‌آمیز سازمان‌یافته یا طایفه‌ای باشد، عناوین شدیدتر امنیتی قابل طرح خواهند بود. تحلیل جرایم تخریب اموال عمومی در حقوق عراق نشان می‌دهد که ماهیت مال، شیوه تخریب و آثار اجتماعی رفتار می‌توانند در توصیف کیفری مؤثر باشند (al-Husayni, 2008). با این حال، ویژگی مکان مقدس از آن جهت متفاوت است که ضرر اجتماعی آن لزوماً با ارزش اقتصادی بنا تناسب ندارد. ممکن است یک بنای

ساده مذهبی ارزش مالی محدودی داشته باشد ولی تخریب آن موجب تنش گسترده مذهبی شود. بنابراین، اتکا به مقررات عمومی تخریب نمی‌تواند همیشه تمام ابعاد زیان را منعکس کند.

در مقابل، فقه امامی از نقطه آغاز متفاوتی به موضوع می‌نگرد. در این چارچوب، قداست برخی اماکن منشأ حکم شرعی مستقل است. مسجد به دلیل اختصاص به عبادت دارای حرمت است و فقها رفتارهایی مانند تنجیس یا هتک آن را ممنوع دانسته‌اند (al-Ardabili, 1995). در آثار فقهی دیگر نیز رعایت حرمت مسجد و پرهیز از اعمال ناسازگار با شأن آن مورد تأکید قرار گرفته است (al-Shahid al-Thani, 1992). این رویکرد سبب می‌شود که حتی رفتاری که خسارت مالی مهمی ایجاد نمی‌کند، در صورت تحقق عنوان هتک، از نظر شرعی ممنوع باشد. مفهوم «هتک» در اینجا نقشی مرکزی دارد؛ زیرا ارزش مورد حمایت فقط عین بنا نیست، بلکه شأن و حرمت دینی آن نیز موضوع حکم است.

مبانی قرآنی در شکل‌گیری این دیدگاه اهمیت دارند. تفاسیر شیعی در بررسی آیاتی که از جلوگیری از ذکر خدا در مساجد و تلاش برای خرابی آنها سخن می‌گویند، بر شدت قبح ممانعت از عبادت و تخریب مکان دینی تأکید کرده‌اند (al-Tabatabai, 1997). در تفاسیر کلاسیک نیز حمایت از مساجد و منع ایجاد مانع در مسیر عبادت از مضامین مهم این آیات دانسته شده است (al-Qurtubi, 2003). این مبنا دو بعد را همزمان پوشش می‌دهد: نخست صیانت از ساختمان و دوم جلوگیری از تعطیل‌شدن کارکرد عبادی آن. از این منظر، کسی که بدون تخریب ساختمان، مردم را از ورود به مسجد منع می‌کند ممکن است همان ارزش دینی را نقض کند که تخریب‌کننده بنا نقض می‌کند، هرچند نوع و شدت واکنش لزوماً یکسان نیست.

روایات نیز در گسترش مفهوم حرمت نقش دارند. در منابع حدیثی، مسجد به عنوان محل ذکر خدا و عبادت دارای شأن ویژه معرفی شده است (Ibn al-Hajjaj, 2006). درباره حرمت شخصیت‌های دینی و آثار مرتبط با آنان نیز روایات مورد استناد فقها قرار گرفته‌اند و استمرار احترام پس از وفات از مبانی توجه به مشاهد و مراقد محسوب شده است (al-Majlisi, 1983). این مبانی در فقه امامی سبب شده‌اند که عتبات و مشاهد صرفاً بناهای تاریخی یا اموال وقفی تلقی نشوند، بلکه هتک عمدی آنها با حرمت شخصیت‌های دینی مرتبط دانسته شود.

قاعده تعظیم شعائر نیز ظرفیت مهمی در این زمینه دارد. هرچند تعیین مصداق شعیره نیازمند ضابطه است، اما در فقه امامی بسیاری از اماکن و مراسمی که ارتباط روشن و تثبیت‌شده با دین دارند در قلمرو شعائر قرار می‌گیرند. آثار فقهی امامیه بر احترام به اموری که عرف متشرعه و ادله دینی آنها را از مظاهر دین می‌شناسند تأکید کرده‌اند (al-Bujnurdi, 1989). همین امر امکان حمایت از حسینیه‌ها، مشاهد و اماکن مشابه را فراهم می‌کند، حتی اگر همه آنها حکم فقهی دقیقاً یکسان با مسجد نداشته باشند. در دیدگاه‌های فقهی معاصر نیز هتک مشاهد و اماکن منتسب به پیشوایان دینی رفتاری مجاز تلقی نشده و بسته به شرایط می‌تواند مستوجب تعزیر باشد (al-Sistani, 2017).

یکی از نقاط تفاوت مهم دو نظام، منبع تعیین مجازات است. در حقوق عراق، دادگاه تنها می‌تواند مجازاتی را اعمال کند که قانون مقرر کرده است. اصول عمومی حقوق کیفری نیز اختیار قاضی را در چارچوب حداقل و حداکثر قانونی تعریف می‌کنند (al-Said, 2009). در فقه امامی، بسیاری از رفتارهای مربوط به هتک اماکن مقدس فاقد حد معین‌اند و در قلمرو تعزیر قرار می‌گیرند. مفهوم تعزیر امکان واکنش به رفتار حرامی را فراهم می‌کند که برای آن کیفر حدی خاص تعیین نشده است (Awda, 1997). در منابع فقه امامی نیز تعزیر نسبت به رفتارهای ناقض حرمت عمومی یا دینی مطرح شده و میزان آن با توجه به شرایط فعل و مرتکب قابل تعیین دانسته شده است (al-Abi, 1996). این انعطاف می‌تواند امکان تناسب بیشتر با اوضاع جرم را فراهم کند، اما در نظام حقوقی

دولت مدرن باید در چارچوب قواعد قانونی روشن اعمال شود تا با اصل پیش‌بینی‌پذیری مجازات تعارض پیدا نکند.

دیدگاه برخی فقهای امامیه درباره هتک مقدسات نشان می‌دهد که شدت واکنش می‌تواند بسته به موضوع تعرض متفاوت باشد. در آثار فقهی، میان رفتارهای عادی خلاف احترام و رفتارهایی که متضمن اهانت شدید به مقدسات بنیادین‌اند تمایز دیده می‌شود (al-Musawi, 1994). در منابع دیگر نیز برای برخی مصادیق خاص، احکام شدیدتری نسبت به هتک یا اهانت به مقدسات اساسی مطرح شده است (al-Khoei, 1987). با این حال، انتقال مستقیم این احکام به حقوق کیفری معاصر بدون توجه به اصل قانونی‌بودن، تناسب و حقوق بنیادین اشخاص قابل دفاع نیست. ارزش مطالعه تطبیقی در این است که از مبنای فقهی حرمت برای شناسایی ارزش مورد حمایت استفاده شود، نه آنکه لزوماً همه ضمانت اجراهای تاریخی عیناً به قانون جدید منتقل شوند.

از حیث رکن مادی، میان حقوق عراق و فقه امامی همپوشانی زیادی وجود دارد. تخریب، آتش‌زدن، آلوده‌کردن و ایجاد مانع برای عبادت در هر دو چارچوب قابل منع‌اند. در حقوق موضوعه، مفاهیم تخریب و اتلاف بر تغییر وضعیت فیزیکی و از بین‌بردن قابلیت انتفاع تمرکز دارند (Abd al-Tawwab, 1989). در فقه، افزون بر این جنبه، عنوان هتک می‌تواند رفتارهایی را پوشش دهد که خسارت مادی جدی ایجاد نمی‌کنند. این تفاوت می‌تواند به قانون‌گذار عراق نشان دهد که حمایت از اماکن مقدس نباید فقط از دریچه خسارت مالی ارزیابی شود.

از حیث رکن معنوی نیز دو نظام به ضرورت عمد و آگاهی توجه دارند، هرچند زبان تحلیلی آنها متفاوت است. در حقوق کیفری، قصد مجرمانه از آگاهی و اراده نسبت به فعل تشکیل می‌شود (Abd al-Muttalib, 2010). در فقه، مسئولیت رفتار عمدی با علم به موضوع و حرمت آن شدیدتر از رفتار ناشی از جهل، خطا یا سهو ارزیابی می‌شود. آثار فقهی امامی در ابواب مختلف نشان می‌دهند که علم، عمد و قصد در ترتب بسیاری از ضمانت اجراها نقش تعیین‌کننده دارند (al-Ardabili, 1995). بنابراین، اگر شخصی از مقدس‌بودن مکان آگاهی نداشته یا خسارت صرفاً بر اثر حادثه ایجاد شده باشد، نمی‌توان او را با مرتکب هتک عمدی یکسان دانست.

مسئله انگیزه طایفه‌ای یا نفرت مذهبی در حقوق عراق اهمیت خاصی دارد. جامعه‌ای که سابقه تعارض فرقه‌ای و حملات سازمان‌یافته علیه عبادتگاه‌ها دارد، نمی‌تواند پیامد اجتماعی چنین انگیزه‌ای را نادیده بگیرد. در مطالعات مربوط به امنیت داخلی، رفتارهای تحریک‌کننده نزاع‌های گروهی به دلیل قابلیت آنها برای اخلال در نظم عمومی و ثبات سیاسی از خطر ویژه‌ای برخوردار شناخته شده‌اند (al-Azami, 1989). از نظر سیاست کیفری، انگیزه مذهبی می‌تواند به عنوان عامل تشدیدکننده مجازات در نظر گرفته شود، به‌خصوص زمانی که هدف مرتکب ایجاد ترس یا دشمنی میان گروه‌ها باشد. شرایط مشدده در نظریه مجازات نیز زمانی توجیه دارند که نحوه ارتکاب یا انگیزه مرتکب خطر رفتار را به طور واقعی افزایش دهد (Aris, 2002).

یکی از کاستی‌های احتمالی در حقوق عراق، پراکندگی مقررات است. هنگامی که حمایت از مکان مقدس میان عناوین تخریب، اخلال در شعائر، توهین، جرایم امنیتی و مقررات تروریسم توزیع شود، احتمال اختلاف در وصف حقوقی رفتار افزایش می‌یابد. وجود عنوان خاص می‌تواند مرزهای جرم را شفاف‌تر کند، مشروط بر آنکه تعریف آن مضیق باشد. در پژوهش‌های مربوط به تعرض به حرمت ادیان، بر ضرورت تعیین روشن افعال مجرمانه و پرهیز از اصطلاحات بسیار کلی تأکید شده است (al-Kharashi, 2016). از همین رو، جرم‌انگاری مستقل تعدی به اماکن مقدس می‌تواند شامل رفتارهایی عینی چون تخریب عمدی، آتش‌زدن، تنجیس یا آلوده‌سازی موهن، ممانعت قهرآمیز از عبادت و هتک مادی آشکار باشد.

با وجود این، ورود «اهانت لفظی» به عنوان جزء اصلی جرم تعدی به مکان باید با احتیاط بیشتری انجام گیرد. اگر شخصی در داخل عبادتگاه با هدف برهم‌زدن مراسم فریادهای توهین‌آمیز سر دهد، رفتار او علاوه بر بیان، واجد عنصر اخلال در حق عبادت است؛ اما اگر همان عبارت در یک بحث عمومی یا نوشته انتقادی مطرح شود، وضعیت متفاوت خواهد بود. حقوق رسانه و نشر نشان می‌دهد که محل، زمینه، شیوه و آثار بیان در تعیین وصف کیفری اهمیت دارند (Surur, 2008). بنابراین، جرم خاص تعدی به اماکن مقدس بهتر است بر رفتارهایی متمرکز شود که ارتباط مستقیم با خود مکان، استفاده‌کنندگان یا اجرای شعائر در آن دارند. همچنین حمایت فقه امامی از مقدسات ادیان دیگر برای تحلیل تطبیقی اهمیت دارد. برخی مبانی قرآنی بر پرهیز از رفتاری تأکید دارند که به واکنش متقابل و اهانت به مقدسات منجر شود و مفسران این امر را نشانه توجه شریعت به پیامدهای اجتماعی توهین دینی دانسته‌اند (al-Tabatabai, 1997). ادبیات فقهی و حقوقی اسلامی درباره روابط با پیروان ادیان نیز بر منع تعدی ناروا و حفظ حقوق آنان تأکید کرده است (Awda, 1997). بنابراین، استفاده از فقه امامی برای تقویت حمایت قانونی در عراق نباید به حمایت انحصاری از اماکن شیعی یا اسلامی منجر شود؛ بلکه مبنای مناسب‌تر، استخراج اصل احترام به عبادت و منع تعرض به اماکن دینی به صورت عمومی است.

در نهایت، مقایسه نشان می‌دهد که حقوق عراق در «شکل» حمایت به نص قانونی وابسته است و فقه امامی در «مبنای» حمایت شبکه گسترده‌تری از مفاهیم حرمت، تعظیم شعائر و منع هتک در اختیار دارد. نقطه قوت حقوق عراق امکان تعیین دقیق حدود مسئولیت و تضمین اصل قانونی‌بودن است؛ نقطه قوت فقه امامی نیز توجه عمیق‌تر به ارزش معنوی مکان و عدم تقلیل جرم به خسارت مالی است. تلفیق سنجیده این دو رویکرد می‌تواند به مدلی منتهی شود که ارزش معنوی مکان را به رسمیت بشناسد، اما رفتار مجرمانه و مجازات آن را به صورت روشن، محدود و قابل پیش‌بینی در قانون تعریف کند.

ارزیابی تطبیقی و الزامات اصلاح سیاست کیفری عراق

ارزیابی تطبیقی حقوق عراق و فقه امامی نشان می‌دهد که نخستین نقطه اشتراک، پذیرش اصل ضرورت حمایت از اماکن مقدس است. حقوق عراق این حمایت را از طریق قواعد قانونی مربوط به شعائر، اماکن عبادی و نظم عمومی اعمال می‌کند، در حالی که فقه امامی آن را بر مفاهیم حرمت، تعظیم شعائر و منع هتک استوار می‌سازد. این اختلاف در مبنا الزاماً به اختلاف در نتیجه منجر نمی‌شود. برای مثال، تخریب عمدی مسجد هم از منظر حقوق کیفری به دلیل انطباق با رفتار ممنوع و هم از منظر فقه به دلیل اتلاف و هتک حرمت قابل نکوهش و مجازات است. در نظریه فقهی جرایم، رفتارهایی که هم حق مالی و هم ارزش عمومی یا دینی را نقض می‌کنند می‌توانند واجد ابعاد متعدد مسئولیت باشند (Awda, 1997). در حقوق کیفری نیز وجود چند ارزش مورد حمایت می‌تواند توجیه‌کننده عنوان خاص باشد، مشروط بر آنکه مرز آن با جرایم عمومی روشن باقی بماند.

نقطه افتراق مهم در قلمرو مفهوم حمایت است. مقررات عمومی تخریب عمدتاً با خسارت قابل مشاهده به مال سروکار دارند، در حالی که فقه امامی مفهوم هتک را حتی در فقدان تخریب شدید قابل اعمال می‌داند. قواعد فقهی مرتبط با حرمت مقدسات به این امکان توجه دارند که شأن یک مکان با رفتاری نمادین یا موهن نقض شود (al-Bujnurdi, 1989). در نتیجه، اگر شخصی فضای مسجد را عمداً به گونه‌ای آلوده کند که هدف اصلی او تحقیر عبادت‌کنندگان باشد، تمرکز صرف بر ارزش مالی خسارت ماهیت رفتار را به‌طور کامل نشان نمی‌دهد. قانون عراق می‌تواند با پذیرش مفهوم محدود «هتک مادی مکان مقدس» این خلأ را جبران کند، بدون آنکه به مفاهیم نامعین و گسترده متوسل شود.

از حیث موضوع حمایت نیز نیاز به تعریف قانونی جامع وجود دارد. استفاده از واژه «اماکن مقدس» بدون تعیین معیار ممکن است مشکلاتی ایجاد کند، زیرا تقدس از دید افراد و گروه‌ها متفاوت است. فرهنگ‌های دینی مجموعه بسیار گسترده‌ای از مکان‌ها را واجد اهمیت معنوی می‌دانند (al-Fishawi, 2007). راه‌حل مناسب آن است که قانون معیارهایی مانند اختصاص رسمی یا عرفی مستمر به عبادت، ثبت یا شناسایی توسط نهاد دینی قانونی، شهرت عمومی به عنوان محل زیارت یا شعائر و وجود کارکرد ثابت مذهبی را در نظر گیرد. چنین تعریفی می‌تواند مسجد، کلیسا، کنیسه، معبد، عتبه، مرقد و حسینیه را در صورت وجود شرایط مشخص پوشش دهد، بدون آنکه هر ادعای فردی درباره تقدس یک مکان به حمایت کیفری ویژه منجر شود.

برابری ادیان و مذاهب باید در مرکز این تعریف قرار گیرد. حمایت یکسان از مکان‌های متعلق به گروه‌های گوناگون نه تنها با حقوق بشر سازگار است، بلکه برای ثبات جامعه عراق نیز ضرورت دارد. حمایت حقوقی از باورها زمانی مؤثر است که بر اصل عدم تبعیض استوار باشد (Fahmi, 2012). از منظر فقهی نیز می‌توان از مبانی منع تعدی به پیروان ادیان و ضرورت رعایت حقوق آنان برای توجیه این رویکرد استفاده کرد. در تحلیل فقه کیفری اسلامی، حفظ امنیت و حقوق کسانی که در نظم اجتماعی مشروع زندگی می‌کنند از اصول مهم شمرده شده است (Awda, 1997). بنابراین، جرم خاص نباید عنوانی برای حمایت انحصاری از یک مذهب باشد.

مسئله دیگر، تعیین مصادیق رفتار مجرمانه است. پیشنهاد جرم‌انگاری مستقل زمانی قابل دفاع است که قانون از اصطلاحات عینی استفاده کند. «تخریب»، «اتلاف»، «آتش‌زدن»، «آلوده‌سازی عمدی»، «مخدوش‌کردن موهن»، «ممانعت قهرآمیز از اجرای شعائر» و «ورود یا تصرف با هدف تعطیل‌کردن عبادت» از جمله رفتارهایی هستند که قابلیت تعریف نسبتاً دقیق دارند. ادبیات حقوق کیفری درباره تخریب امکان تمایز میان اتلاف کامل و صدمه جزئی را فراهم کرده است (Abd al-Tawwab, 1989). همچنین مطالعات مربوط به جرایم علیه اموال عمومی معیارهایی برای ارزیابی خسارت و آثار رفتار ارائه می‌کنند (Abd al-Latif, 2002). قانون‌گذار می‌تواند از این مفاهیم شناخته‌شده بهره گیرد و وصف «مقدس‌بودن مکان» را به عنوان عنصر موضوعی خاص اضافه کند.

در مقابل، استفاده صرف از عباراتی مانند «بی‌احترامی به مقدسات» یا «رفتار خلاف شأن دین» برای جرم‌انگاری مناسب نیست؛ زیرا چنین مفاهیمی به آسانی می‌توانند موسع تفسیر شوند. مطالعه تطبیقی جرایم اهانت به ادیان نشان می‌دهد که هرچه تعریف قانونی وابسته‌تر به برداشت ذهنی مخاطبان باشد، خطر تعارض با آزادی بیان بیشتر می‌شود (Kari & Ibraqi, 2018). پژوهش درباره تعرض به حرمت ادیان نیز بر ضرورت تفکیک رفتار مجرمانه از اختلاف فکری و نقد تأکید دارد (al-Kharashi, 2016). بنابراین، اگر «هتک» در قانون به کار رود، باید با مصادیق عینی و عنصر قصد همراه شود.

در تعیین عنصر معنوی، علم مرتکب به ماهیت مقدس مکان باید شرط اصلی باشد. نمی‌توان شخصی را به دلیل تخریب خاص مکان مقدس مجازات کرد اگر او به هیچ نحو معقولی از کارکرد مذهبی آن آگاهی نداشته است. اصول عمومی مسئولیت کیفری بر لزوم وجود رابطه ذهنی میان مرتکب و عناصر اساسی جرم تأکید دارند (al-Hadithi & al-Zubi, 2010). در مکان‌های دارای علائم آشکار یا شهرت عمومی، علم از قرائن قابل استنباط است؛ اما در موارد مشکوک باید دادستان آن را اثبات کند. این قاعده از توسعه مسئولیت بر اساس فرض‌های غیرقابل دفاع جلوگیری می‌کند.

قصد خاص اهانت نباید برای همه مصادیق ضروری باشد. اگر فردی آگاهانه برای سرقت تجهیزات، مسجد را به آتش بکشد و بداند نتیجه طبیعی عمل تخریب مکان است، فقدان انگیزه مذهبی

نباید اصل مسئولیت بابت تخریب مکان مقدس را از میان ببرد. با این حال، اگر ثابت شود هدف او ایجاد نفرت مذهبی، تحقیر یک طایفه یا تحریک به نزاع بوده است، این انگیزه می‌تواند موجب تشدید کیفر شود. مفهوم شرایط مشدده دقیقاً برای اوضاعی طراحی شده است که خطر یا سرزنش‌پذیری جرم را افزایش می‌دهند (Aris, 2002). از منظر جرم‌شناختی نیز جرایمی که پیام تهدید به یک گروه جمعی منتقل می‌کنند آثار اجتماعی گسترده‌تری دارند (Abd al-Sattar, 1985).

در تعیین مجازات، ایجاد نظام درجه‌بندی‌شده ضروری است. آسیب سطحی به یک بخش غیرضروری بنا با تخریب کامل یک عتبه یا انفجار عبادتگاهی مملو از جمعیت یکسان نیست. حقوق کیفری باید میان هتک بدون خسارت عمده، خسارت قابل توجه، تخریب گسترده، استفاده از ابزار خطرناک و ارتکاب در چارچوب انگیزه فرقه‌ای تفکیک کند. اصول سیاست کیفری بر تناسب میان شدت رفتار و واکنش مجازاتی تأکید دارند (Najm, 1991). در فقه امامی نیز انعطاف تعزیر امکان توجه به شدت فعل و آثار آن را فراهم می‌کند (al-Sistani, 2017). قانون عراق می‌تواند این منطق را به صورت درجات مشخص قانونی ترجمه کند.

عامل دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، وضعیت اشخاص حاضر در مکان است. اگر تعدی در زمان عبادت جمعی انجام شود، خطر رفتار به مراتب بیشتر است. چنین عملی ممکن است همزمان جان افراد، آزادی عبادت و امنیت عمومی را تهدید کند. در تعیین شرایط مشدده، زمان و شیوه ارتکاب از عوامل قابل توجه‌اند (Aris, 2002). بنابراین، حمله به مکان در زمان مراسم مذهبی، استفاده از مواد منفجره یا آتش‌زا، یا ارتکاب جرم با مشارکت سازمان‌یافته می‌تواند موجب افزایش مجازات شود.

پیشگیری نیز نباید به اقدامات کیفری پسینی محدود شود. اماکن مقدسی که سابقه تهدید دارند به برنامه‌های امنیتی متناسب نیاز دارند، به‌ویژه در مناسبت‌هایی که جمعیت زیادی حضور پیدا می‌کند. با این حال، امنیت نباید بهانه‌ای برای دخالت ناموجه در اداره داخلی مراکز مذهبی باشد. سیاست پیشگیرانه مطلوب نیازمند همکاری میان متولیان اماکن، نهادهای امنیتی و جامعه محلی است. نظریه‌های جرم‌شناسی بر این نکته تأکید دارند که کاهش فرصت ارتکاب جرم و افزایش حفاظت محیطی می‌تواند در کنار ضمانت اجرای کیفری نقش بازدارنده داشته باشد (Najm, 1991).

فضای دیجیتال نیز باید در سیاست پیشگیرانه لحاظ شود. برنامه‌ریزی حمله، انتشار محل‌های آسیب‌پذیر یا تحریک مستقیم افراد به تخریب ممکن است در شبکه‌های الکترونیکی انجام شود. حقوق جرایم فناوری اطلاعات نشان داده است که ارتکاب یا تسهیل جرم از طریق سامانه‌های رایانه‌ای می‌تواند اشکال متفاوتی از مشارکت و معاونت را ایجاد کند (al-Zubi, 2017). با این حال، واکنش دولت باید به محتوایی محدود باشد که واجد رابطه قابل اثبات با جرم است و نباید نظارت بر فضای مجازی به ممنوعیت عمومی مباحث دینی یا سیاسی منجر شود.

از منظر فقه امامی، یکی از ظرفیت‌های مهم برای اصلاح سیاست کیفری، اصل جلوگیری از هتک و احترام به شعائر است. منابع فقهی نشان می‌دهند که حرمت مسجد و مشاهد تنها هنگامی نقض نمی‌شود که ساختمان ویران گردد، بلکه رفتار تحقیرآمیز آشکار نیز می‌تواند موضوع حکم قرار گیرد (al-Khoei, 1987). احکام مربوط به مسجد نیز بر ضرورت حفظ شأن آن در استفاده روزمره تأکید می‌کنند (al-Saidi, 2009). این مبنا می‌تواند برای شناسایی ارزش معنوی مورد حمایت مفید باشد؛ اما هنگام تدوین قانون باید از زبان فقهی کلی به زبان کیفری دقیق عبور کرد.

همچنین نمی‌توان حمایت از اماکن مقدس را به واکنش‌های شدید کیفری محدود کرد. در برخی موارد، خسارت محدود و بدون انگیزه نفرت ممکن است با مجازات‌های متناسب‌تر، جبران خسارت، الزام به بازسازی و سایر واکنش‌ها مواجه شود. اصول علم کیفر نشان می‌دهد که شدت مجازات همیشه معادل افزایش

بازدارندگی نیست و انتخاب پاسخ باید با نوع جرم و شخصیت مرتکب تناسب داشته باشد (Abd al-Sattar, 1985). در مقابل، رفتارهای سازمان‌یافته و طایفه‌ای که با هدف ایجاد وحشت انجام می‌شوند نیازمند پاسخ شدیدترند.

مسئولیت مدنی و جبران خسارت نیز باید در کنار مجازات مطرح باشد. تخریب مکان مقدس ممکن است هزینه بازسازی، فقدان امکان استفاده و خسارت به اشیای فرهنگی یا مذهبی ایجاد کند. جبران خسارت مالی جایگزین حمایت کیفری نیست، اما می‌تواند بخشی از پاسخ جامع باشد. در جرایم تخریب، بازگرداندن وضعیت مال یا جبران ارزش آن از آثار مهم مسئولیت شناخته می‌شود (Abd al-Tawwab, 1989). برای اماکن تاریخی و مذهبی، بازسازی باید با توجه به ارزش فرهنگی و اصالت بنا صورت گیرد. در سطح قضایی، آموزش تخصصی نیز اهمیت دارد. تشخیص تفاوت میان اختلاف مذهبی، نقد فکری، هتک مادی و تحریک به خشونت نیازمند شناخت حقوق بشر، حقوق کیفری و زمینه اجتماعی است. در غیاب چنین شناختی، دو خطر متضاد وجود دارد: یا دادگاه رفتار خطرناک علیه یک گروه مذهبی را کم‌اهمیت تلقی می‌کند، یا بیان انتقادی را بدون وجود آسیب واقعی جرم می‌شمارد. مطالعات مسئولیت کیفری در حوزه مقدسات بر ضرورت حفظ تعادل میان حمایت دینی و آزادی‌های بنیادین تأکید دارند (al-Rifai, 2007).

بر این اساس، اصلاح حقوق عراق باید به سمت تدوین یک چارچوب مشخص حرکت کند که در آن موضوع حمایت، رفتارهای ممنوع، عنصر معنوی، شرایط مشدده و مجازات‌ها به صورت روشن تعیین شوند. این چارچوب باید بر حمایت برابر از همه اماکن دینی قانونی استوار باشد و از فقه امامی در شناسایی اهمیت حرمت و ارزش معنوی مکان بهره گیرد، اما همزمان الزامات حقوق بشر، اصل قانونی‌بودن، تفسیر مضیق و آزادی بیان را رعایت کند. چنین مدلی نه نسخه‌برداری صرف از فقه است و نه بی‌اعتنایی به سنت حقوقی و دینی عراق؛ بلکه استفاده گزینشی و نظام‌مند از ظرفیت‌های هر دو برای ایجاد حمایتی مؤثر و قابل دفاع است.

نتیجه‌گیری

اماکن مقدس در نظام حقوقی و اجتماعی صرفاً اموالی فیزیکی نیستند، بلکه بستر عینی اعمال آزادی دین، تجلی هویت مذهبی و محل شکل‌گیری بخشی از زندگی جمعی پیروان ادیان و مذاهب‌اند. به همین دلیل، تعدی به آنها می‌تواند همزمان چند ارزش را نقض کند: تمامیت مادی بنا، امکان استفاده عبادی، احساس امنیت پیروان دین، نظم اجتماعی و در مواردی میراث فرهنگی جامعه. این ویژگی چندبعدی سبب می‌شود که تحلیل جرم تعدی به اماکن مقدس نتواند در چارچوب جرایم عادی علیه اموال محدود بماند.

بررسی مفهوم و ارکان جرم نشان داد که تعدی می‌تواند صورت‌های گوناگونی داشته باشد. تخریب، اتلاف، آتش‌زدن و مخدوش‌کردن از مصادیق آشکار آن هستند، اما حمایت مؤثر باید رفتارهایی مانند آلوده‌سازی عمدی با هدف هتک، ایجاد مانع قهرآمیز در دسترسی به مکان و اخلال عمدی در اجرای شعائر را نیز دربرگیرد. در عین حال، هر رفتار نامطلوب یا هر سخن انتقادی نسبت به دین را نمی‌توان در قلمرو این جرم قرار داد. عنصر مادی باید عینی و قابل شناسایی باشد و عنصر معنوی نیز مستلزم علم مرتکب به ماهیت دینی مکان و عمد در انجام رفتار ممنوع است.

تحلیل حقوق بشری نشان داد که مبنای اصلی حمایت از اماکن مقدس را باید در حقوق اشخاص جست‌وجو کرد. مکان مقدس حمایت می‌شود زیرا افراد حق دارند دین خود را آزادانه اجرا کنند، در مراسم جمعی شرکت داشته باشند و بدون ترس از خشونت یا تبعیض به عبادتگاه‌های خود دسترسی پیدا کنند. چنین برداشتی از یک سو حمایت کیفری از تخریب و اخلال در اماکن مذهبی را توجیه می‌کند و از سوی دیگر مرزی روشن میان حمایت از آزادی

دینی و ایجاد مصونیت مطلق برای اعتقادات در برابر نقد به وجود می‌آورد.

آزادی بیان و حمایت از اماکن مقدس را نباید دو ارزش ذاتاً متعارض تلقی کرد. تعارض عمدتاً زمانی شکل می‌گیرد که جرم‌انگاری از رفتارهای عینی فاصله بگیرد و به مفاهیم مبهمی مانند هرگونه بی‌احترامی یا آزرده‌شدن احساسات دینی گسترش یابد. نقد یک اعتقاد، حتی اگر برای پیروان آن ناخوشایند باشد، ماهیت متفاوتی با حمله به عبادتگاه یا ایجاد مانع برای عبادت دارد. بنابراین، سیاست کیفری مطلوب باید از اشخاص و امکان اعمال حقوق آنان حمایت کند و در عین حال از تبدیل حقوق کیفری به ابزار کنترل اندیشه جلوگیری نماید.

مقایسه حقوق عراق و فقه امامی آشکار ساخت که هر دو نظام اصل حمایت از اماکن مقدس را پذیرفته‌اند، اما مبانی و شیوه‌های آنها متفاوت است. حقوق عراق به نص قانونی و عناوین مجرمانه وابسته است و بخش مهمی از حمایت را از طریق مقررات مربوط به شعائر، تخریب و نظم عمومی تأمین می‌کند. در مقابل، فقه امامی نظام گسترده‌تری از مفاهیم حرمت، منع هتک، تعظیم شعائر و صیانت از مساجد و مشاهد در اختیار دارد. از این جهت، فقه امامی ارزش معنوی موضوع را برجسته‌تر می‌سازد، در حالی که حقوق موضوعه از حیث تعیین حدود مسئولیت و تضمین پیش‌بینی‌پذیری مجازات مزیت بیشتری دارد.

یکی از نتایج اصلی این مقایسه آن است که اتکا به مقررات عمومی تخریب برای حمایت کامل از اماکن مقدس کافی نیست. ممکن است رفتار مرتکب خسارت مالی محدودی ایجاد کند اما به دلیل ماهیت نمادین خود آثار گسترده مذهبی و اجتماعی به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، ایجاد عنوان بسیار گسترده برای «اهانت به مقدسات» نیز راه‌حل مناسبی نیست؛ زیرا می‌تواند مرز میان رفتار زیان‌بار و بیان عقیده را از میان ببرد. راه‌حل متعادل، ایجاد یا تکمیل عنوان قانونی مشخصی است که موضوع و رفتارهای مادی آن به روشنی تعریف شده باشند.

در حقوق عراق، شناسایی صریح جرم تعدی به اماکن مقدس می‌تواند پراکندگی موجود میان مقررات مختلف را کاهش دهد. در چنین جرمی باید مکان مقدس بر اساس معیارهای عینی مانند اختصاص پایدار به عبادت، شناسایی رسمی یا عرفی معتبر، کارکرد مستمر مذهبی یا جایگاه شناخته‌شده زیارتی تعریف شود. این تعریف باید بدون تبعیض شامل اماکن متعلق به همه ادیان و مذاهب قانونی باشد. حمایت برابر از مسجد، کلیسا، معبد، مرقد و سایر عبادتگاه‌های واجد شرایط نه تنها اقتضای حقوق بشر است، بلکه برای حفظ انسجام اجتماعی عراق ضرورت دارد.

رفتارهای مشمول عنوان جرم نیز باید به صورت محدود و روشن بیان شوند. تخریب عمدی، اتلاف، آتش‌زدن، آلوده‌سازی موهن، مخدوش‌کردن با هدف هتک، ممانعت قهرآمیز از دسترسی و اخلال عمدی در اجرای شعائر از جمله مصادیقی هستند که قابلیت تعریف حقوقی دارند. در مقابل، مفاهیمی مانند توهین لفظی باید تنها زمانی در این چارچوب قرار گیرند که با خود مکان یا اجرای واقعی مراسم ارتباط مستقیم داشته باشند و به اخلال در حقوق اشخاص منجر شوند.

از حیث عنصر معنوی، آگاهی نسبت به ماهیت مقدس مکان باید شرط مسئولیت خاص باشد. همچنین انگیزه مذهبی یا فرقه‌ای نباید الزاماً عنصر تشکیل‌دهنده همه مصادیق جرم محسوب شود، زیرا ممکن است فرد بدون انگیزه دینی ولی با علم کامل، عمداً مکان را تخریب کند. با این حال، اثبات انگیزه نفرت مذهبی، قصد ایجاد درگیری طایفه‌ای یا هدف ایجاد رعب در یک جامعه دینی می‌تواند به عنوان عامل مشدد در نظر گرفته شود.

نظام مجازات نیز باید درجه‌بندی شده باشد. هتک محدود، خسارت مادی قابل توجه، تخریب کامل، ارتکاب در زمان حضور عبادت‌کنندگان، استفاده از وسایل خطرناک، سازمان‌یافتگی و

انگیزه فرقه‌ای نمی‌توانند دارای واکنش واحد باشند. تناسب مجازات با خسارت، خطر و میزان تقصیر مرتکب از الزامات عدالت کیفری است. در موارد سبک‌تر نیز استفاده از جبران خسارت، الزام به بازسازی و پاسخ‌های اصلاحی می‌تواند در کنار مجازات اصلی مورد توجه قرار گیرد.

فقه امامی می‌تواند در اصلاح حقوق عراق نقش مبنایی داشته باشد، به ویژه از طریق تأکید بر این اندیشه که قداست مکان ارزش مستقلی از قیمت اقتصادی آن ایجاد می‌کند. مفاهیم حرمت، منع هتک و تعظیم شعائر می‌توانند به قانون‌گذار در شناسایی دقیق ارزش مورد حمایت کمک کنند. با این حال، انتقال این مفاهیم به حقوق کیفری باید از طریق تعریف قانونی شفاف انجام گیرد. قواعد کلی فقهی هنگامی که به ضمانت اجرای کیفری دولتی متصل می‌شوند، باید به معیارهایی تبدیل شوند که شهروند پیشاپیش بتواند حدود رفتار ممنوع را درک کند.

یکی دیگر از نتایج اساسی پژوهش آن است که حمایت از اماکن مقدس نباید به یک مذهب خاص محدود شود. هرگونه حمایت تبعیض‌آمیز نه تنها با اصول حقوق بشر ناسازگار است، بلکه ممکن است خود به عامل تشدید اختلافات فرقه‌ای تبدیل شود. حمایت کیفری زمانی مشروع و مؤثر است که برای همه گروه‌های دینی تحت حمایت قانون با معیارهای یکسان اعمال شود. این امر باید هم در متن قانون و هم در رویه پلیس، دادستانی و دادگاه‌ها رعایت گردد.

پیشگیری از جرم نیز به همان اندازه مجازات اهمیت دارد. حفاظت فیزیکی متناسب از اماکن پرخطر، همکاری متولیان دینی با نهادهای امنیتی، شناسایی تهدیدهای جدی، آموزش نیروهای انتظامی و قضایی و مقابله هدفمند با تحریک مستقیم به خشونت می‌تواند میزان وقوع این جرایم را کاهش دهد. با این حال، چنین تدابیری نباید به نظارت نامحدود بر فعالیت‌های دینی، کنترل عقاید یا محدودکردن اجتماعات مسالمت‌آمیز تبدیل شوند.

برآیند نهایی پژوهش آن است که حقوق عراق از ظرفیت لازم برای حمایت از اماکن مقدس برخوردار است، اما این حمایت می‌تواند از حیث صراحت، انسجام و انطباق با شرایط اجتماعی معاصر تقویت شود. الگوی مناسب، جرم‌انگاری موسع و مبهم مقدسات نیست، بلکه ایجاد چارچوبی دقیق برای حمایت از مکان، کارکرد عبادی آن و حقوق اشخاص استفاده‌کننده از آن است. فقه امامی در تبیین ارزش معنوی و مبنای حرمت این اماکن ظرفیت قابل توجهی ارائه می‌کند و حقوق بشر نیز حدود مداخله دولت را مشخص می‌سازد. ترکیب این دو رویکرد می‌تواند به نظامی منجر شود که هم حرمت اماکن مقدس و آزادی دینی را به نحو مؤثر پاس بدارد و هم آزادی بیان، اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها، برابری مذهبی و تناسب واکنش کیفری را حفظ کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Sacred places constitute one of the most visible and socially significant manifestations of religious belief, collective memory, and communal identity. Their importance is not confined to their physical structure or material value, because they function as spaces in which worship, ritual practice, pilgrimage, remembrance, and the public expression of faith take place. In this sense, a sacred place derives its special status from its association with worship, religious personalities, sacred events, or long-standing traditions that give the place a distinctive spiritual significance within the consciousness of a religious community (al-Fishawi, 2007). In Islamic legal thought, mosques and other places devoted to worship are treated as spaces endowed with a particular sanctity that generates special duties of respect and protection (al-Khudayri,

2001). This understanding is especially important in Iraq, where mosques, shrines, holy tombs, husayniyyas, churches, and other religious sites are deeply intertwined with the historical, social, and political life of different religious and sectarian communities. The religious architecture of cities such as Karbala illustrates how sacred places may operate simultaneously as sites of worship, symbols of communal continuity, and centers of social and cultural activity (al-Ansari, 2006). For that reason, an assault on such a place cannot be reduced to ordinary damage to property. Depending on the nature of the conduct, it may interfere with the ability of believers to worship, undermine religious security, generate fear among a community, provoke sectarian tension, or damage cultural heritage. Contemporary legal protection of religious beliefs and practices therefore connects the protection of sacred places with broader principles such as freedom of religion, nondiscrimination, access to worship, and the peaceful exercise of religious rites (Fahmi, 2012). The present study examines the offense of assault on sacred places from a human rights perspective through a comparative analysis of Iraqi law and Imami jurisprudence. Its central aim is to determine whether the Iraqi legal framework provides sufficiently clear and effective protection for sacred places and to explore how the doctrinal resources of Imami jurisprudence may contribute to a more coherent legal understanding of the protected interest, the prohibited conduct, and the appropriate scope of criminal liability. The study adopts a descriptive-analytical and comparative methodology and focuses specifically on those aspects of the subject that are directly relevant to criminalization, human rights, and comparative legal analysis.

The concept of assault on sacred places must first be distinguished from the narrower offense of physical destruction. Linguistically, notions of transgression and violation imply crossing established limits and infringing a sphere that is entitled to respect or protection (Ibn Manzur, 2004). In criminal law, destruction usually refers to conduct that damages the physical integrity, usability, or economic function of property, whether through total destruction, partial impairment, burning, defacement, or other forms of material damage (Abd al-Tawwab, 1989). The law of property destruction also recognizes that criminal harm may arise where an object is rendered unusable or materially altered even if it is not completely annihilated (Abd al-Latif, 2002). However, in the context of sacred places, the protected interest extends beyond physical integrity. The material element of the offense may include destruction, burning, defacement, deliberate contamination, the placement of insulting symbols, violent obstruction of access, disruption of worship, or conduct intended to prevent believers from carrying out religious ceremonies. Legal protection of religious practice is meaningful only if believers can actually use the relevant space for worship and ritual without coercion, intimidation, or discriminatory interference (Fahmi, 2012). The legal element of the offense in Iraqi law requires a sufficiently clear statutory basis, because criminal responsibility must remain anchored in the principle of legality and in the prohibition against extending penal provisions by vague analogy. Iraqi criminal law doctrine emphasizes that an offense must be identified through its legal, material, and mental elements and that the prohibited conduct must be ascertainable from the applicable penal norm (al-Hadithi & al-Zubi, 2010). By contrast, in Imami jurisprudence, the normative basis of prohibition is derived not only from specific textual rules but also from broader jurisprudential principles such as the sanctity of mosques, the prohibition of desecration, and the duty to honor religious symbols. Jurisprudential writings recognize the

obligation to preserve the dignity of places dedicated to worship and prohibit conduct that constitutes desecration or violation of their sanctity (al-Ardabili, 1995). Later Shi'i jurisprudence likewise recognizes the special status of shrines and religious sites and treats intentional desecration as conduct that may justify a discretionary penal response (al-Khoei, 1987; al-Sistani, 2017). Thus, while Iraqi law relies primarily on formally enacted criminal norms, Imami jurisprudence begins from the concept of sanctity and then derives legal consequences from the violation of that protected religious value.

The human rights dimension of the offense is crucial because protection of sacred places cannot be justified merely on the ground that religious ideas should be insulated from criticism. The stronger legal basis lies in the protection of persons and communities in the exercise of freedom of religion and worship. Freedom of religion includes not only the internal freedom to hold a belief but also the external freedom to manifest religion through worship, observance, ceremony, instruction, and collective practice. Legal studies of religious freedom have therefore treated access to places of worship and the ability to maintain and use them as practical components of effective religious liberty (Fahmi, 2012). An attack on a mosque, church, shrine, or temple may consequently interfere with freedom of religion even where the physical damage is limited, especially if the purpose or effect of the act is to prevent the relevant community from gathering or worshipping. This concern is particularly serious for minority communities whose access to religious infrastructure may already be limited. At the same time, a human rights approach requires careful differentiation between assault on a sacred place and criticism, satire, or rejection of a religious doctrine. Studies of the crime of contempt of religions have repeatedly highlighted the danger that broadly framed religious offenses may be used to suppress legitimate expression when legal concepts such as insult, offense, or disrespect are defined too vaguely (Kari & Ibraqi, 2018). The same difficulty appears in comparative analyses of offenses against the sanctity of religion, which caution against allowing subjective feelings of offense to become the sole basis of criminal responsibility (al-Kharashi, 2016). Criminal law should therefore focus on objectively identifiable conduct that harms legally protected interests, such as destruction, coercive disruption of worship, intimidation of worshippers, or intentional desecration of a religious site. Freedom of expression may be restricted where necessary to protect the rights of others or prevent violence, but the restriction must remain proportionate to the actual harm involved. In this regard, international criminal responsibility scholarship has stressed the importance of maintaining a principled balance between protection of religious sanctities and freedom of opinion and expression (al-Rifai, 2007). The same logic applies to publication and media offenses, where context, intent, and the concrete effects of expression must be considered before criminal liability is imposed (Surur, 2008). A human rights-oriented model of protection therefore seeks to defend the right to worship and the security of sacred places without transforming criminal law into an instrument for shielding beliefs from intellectual disagreement.

The comparison between Iraqi law and Imami jurisprudence reveals both substantial convergence and significant structural differences. Iraqi law protects religious practices and religiously significant buildings through a combination of constitutional principles, penal provisions concerning religious rites, and general rules relating to destruction, public order, and security. However, this protection is dispersed across

several legal categories rather than organized around a single, clearly defined offense of assault on sacred places. This fragmentation may create uncertainty when conduct is simultaneously capable of being characterized as property destruction, disruption of religious ceremonies, sectarian provocation, or an offense affecting public security. Iraqi legal scholarship concerning destruction of public property illustrates how the legal characterization of harmful conduct may depend on the nature of the property, the means used, and the consequences produced (al-Husayni, 2008). Yet the symbolic and religious value of a sacred place may far exceed its financial value, and this additional dimension is not always fully captured by ordinary property offenses. Imami jurisprudence, by contrast, attaches independent normative importance to the concept of sanctity. Qur'anic exegesis dealing with the prevention of worship and the destruction of mosques emphasizes the gravity of obstructing the remembrance of God and damaging spaces dedicated to divine worship (al-Qurtubi, 2003; al-Tabatabai, 1997). Jurisprudential sources likewise recognize the duty to preserve the sanctity of mosques and prohibit conduct that constitutes desecration even where the material damage is slight (al-Shahid al-Thani, 1992). This doctrinal framework also extends to shrines and places associated with revered religious figures, whose sanctity is supported by traditions concerning the enduring respect owed to such figures and their resting places (al-Majlisi, 1983). The main advantage of the Imami approach is that it does not reduce the protected interest to material property, while the principal advantage of the Iraqi statutory model is that it offers a clearer institutional framework for legality, judicial competence, and predetermined punishment. The comparative analysis therefore suggests that Iraqi criminal policy could benefit from incorporating the concept of a distinct protected spiritual and communal interest while still translating that concept into precise statutory language rather than relying on open-ended religious terminology.

The comparative findings also indicate that any reform of Iraqi criminal policy should proceed through carefully defined legal elements rather than through an expansive offense of “disrespecting sanctities.” The subject matter of protection should be defined according to objective criteria such as permanent dedication to worship, recognized religious use, established pilgrimage status, or formal acknowledgment by a lawful religious institution. The material element should include conduct that can be identified with reasonable certainty, such as intentional destruction, burning, serious defacement, deliberate contamination, violent prevention of access, coercive interruption of worship, or other direct interference with the religious function of the place. Such an approach would draw upon established criminal law concepts of destruction and impairment (Abd al-Tawwab, 1989) while recognizing that the religious character of the property creates an additional protected interest. The mental element should require knowledge that the location is a sacred or religious place and intent to perform the prohibited act. General criminal law doctrine distinguishes criminal intent from motive and requires that the offender act with awareness and volition in relation to the constituent elements of the offense (Abd al-Muttalib, 2010). Consequently, a sectarian or religious motive should not necessarily be required for the basic offense, because an individual may intentionally destroy a sacred place for financial, political, or personal reasons while fully understanding the nature of the site. However, a proven motive of sectarian hatred, an intention to intimidate a religious community, or an intention to provoke communal conflict may

legitimately operate as an aggravating circumstance. Criminal policy theory recognizes aggravation where the manner, purpose, or context of the offense significantly increases its social danger (Aris, 2002), and criminological literature likewise supports differentiating between ordinary offending and conduct that transmits a broader message of fear to an entire community (Abd al-Sattar, 1985). The proportionality of punishment is equally important. Minor defacement, substantial structural damage, total destruction, use of explosives, attacks during collective worship, and organized sectarian violence should not receive identical sanctions. Imami jurisprudence offers useful conceptual flexibility through the notion of discretionary punishment, which allows the seriousness of the conduct and its consequences to be taken into account (al-Sistani, 2017; Awda, 1997). Nevertheless, in a modern statutory system this flexibility should be translated into clearly graded penalties and judicial criteria in order to preserve legality, predictability, and equal treatment.

In conclusion, the study demonstrates that the offense of assault on sacred places is best understood as a multidimensional crime affecting material property, freedom of religion, collective identity, social security, and, in some cases, cultural heritage. Iraqi law and Imami jurisprudence both recognize the necessity of protecting religious places, but they do so through different conceptual structures. Iraqi law relies on statutory criminal categories and provides institutional certainty, yet its current protection is dispersed and may not always reflect the distinctive symbolic harm associated with attacks on sacred places. Imami jurisprudence offers a richer account of sanctity, desecration, and the duty to preserve religious symbols, but its broad normative concepts must be translated with caution before they can function as modern criminal rules. The most defensible legal model is therefore neither a purely property-based approach nor an excessively broad offense of insulting religion. Iraqi criminal law would benefit from a clearly defined and religiously neutral offense addressing intentional assault on recognized sacred places, with precise material and mental elements, equal protection for all lawful religious communities, and graduated penalties corresponding to the seriousness of the harm. Sectarian motivation, organized violence, attacks during worship, and conduct endangering human life should operate as aggravating factors, while criticism of religion or expression that does not directly interfere with worship or the physical and functional integrity of a sacred place should remain outside the core offense. Such an approach would allow Iraqi law to draw upon the normative insight of Imami jurisprudence concerning the special value of sacred places while remaining consistent with human rights principles, freedom of expression, legality, proportionality, nondiscrimination, and the requirement that criminal prohibitions be clear and foreseeable.

References

Abd al-Latif, A. (2002). *Crimes against public funds*. Dar al-Nahdah al-Arabiyyah Library.

Abd al-Muttalib, I. (2010). *The modern criminal encyclopedia: Commentary on the Penal Code* (2 ed., Vol. 3). National Office for Legal Publications.

Abd al-Sattar, F. (1985). *Principles of criminology and punishment* (5 ed.). Dar al-Nahdah al-Arabiyyah.

Abd al-Tawwab, M. (1989). *Al-Wasit: Commentary on crimes of sabotage, destruction and arson*. University Publications House.

al-Abi, Z. a.-D. F. (1996). *Kashf al-Rumuz fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi* (Vol. 2). Islamic Publishing Institution.

al-Ansari, R. M. A. (2006). *The architecture of Karbala* (1 ed.). Al-Salhani Foundation.

al-Ardabili, A. a.-M. (1995). *Majma al-Faidah wal-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Vol. 13). Islamic Publishing Institution.

al-Azami, S. I. (1989). *Crimes affecting internal state security: A comparative study* (1 ed.). Dar al-Shu'un al-Thaqafiyyah al-Ammah.

al-Bujnurdi, a.-S. H. a.-M. (1989). *Al-Qawaid al-Fiqhiyyah* (2 ed., Vol. 5). Ismailian Publications.
al-Fishawi, S. (2007). *Scientific dictionary of religious beliefs*. Egyptian General Book Authority.
al-Hadithi, F. A. a.-R., & al-Zubi, K. H. (2010). *Commentary on the Penal Code: General part* (2 ed.). Dar al-Thaqafah Publishing.
al-Husayni, N. J. K. (2008). *Crimes of destruction of public property under the Iraqi Penal Code* University of Baghdad].
al-Ibrahimi, A. T. F. (2005). *Crimes affecting possession: A comparative study* University of Baghdad].
al-Kharashi, A. A. a.-A. (2016). *Offenses against the sanctity of religions and religious contempt in positive and Islamic criminal legislation*. Legal Publications Intellectual Center.
al-Khoei, A. a.-Q. (1987). *Minhaj al-Salihin: The book of hudud and discretionary punishments; ruling on desecration of shrines*.
al-Khudayri, I. b. S. (2001). *Rulings on mosques in Islamic law*. Dar al-Fadilah.
al-Majlisi, M. B. b. M. T. (1983). *Bihar al-Anwar*. Al-Wafa Foundation.
al-Musawi, M. A. a.-H. A. b. a.-H. (1994). *Al-Intisar*. Islamic Publishing Institution.
al-Qurtubi, A. A. A. b. A. b. F. (2003). *Al-Jami li-Ahkam al-Quran* (5 ed., Vol. 2). Dar al-Kitab al-Arabi.
al-Razi, M. b. A. B. b. A. a.-Q. (1983). *Mukhtar al-Sihah*. Dar al-Risalah Publishing.
al-Rifai, A. A. a.-H. (2007). *International criminal responsibility for infringements of religious beliefs and sanctities: A study in light of freedom of opinion and expression*. Dar al-Nahdah al-Arabiyyah.
al-Said, K. (2009). *Commentary on the general provisions of the Penal Code: A comparative study* (1 ed.). Dar al-Thaqafah Publishing.
al-Saidi, M. (2009). *Mosques and their rulings in Islamic law* (Vol. 1). World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.
al-Shahid al-Thani, Z. a.-D. b. A. a.-A. (1992). *Masalik al-Afham* (Vol. 2). Islamic Knowledge Institution.
al-Sistani, A. a.-H. (2017). *Minhaj al-Salihin*. Dar al-Muarrikh al-Arabi.
al-Tabatabai, M. H. (1997). *Tafsir al-Mizan in Quranic sciences* (Vol. 19). Al-Alami Publications Foundation.
al-Zubi, O. J. (2017). *Crimes involving electronic information systems technology* (3 ed.). Dar al-Thaqafah.
Aris, S. (2002). *Aggravating circumstances in punishment*. Legal Library Publications.
Awda, A. a.-Q. (1997). *Islamic criminal legislation compared with positive law* (Vol. 1). Dar al-Kitab al-Arabi.
Fahmi, K. M. (2012). *Legal protection of religious beliefs and practices and nondiscrimination under international conventions, positive law and Islamic law* (1 ed.). Dar al-Fikr al-Jamii.
Ibn al-Hajjaj, A. a.-H. M. (2006). *Sahih Muslim: The book of purification* (1 ed., Vol. 1).
Ibn Manzur, A. a.-F. J. a.-D. (2004). *Lisan al-Arab*. Dar Sadir.
Kari, A., & Ibraqi, J. (2018). The crime of contempt of religions in international and domestic law. *Journal of Sharia and Law*, *32*(76).
Mustafa, R. A. (2007). *Sacred religious places from the perspective of international law*. Mansha'at al-Maarif.
Najm, M. S. (1991). *A concise guide to criminology and punishment* (2 ed.). Dar al-Thaqafah Publishing.
Surur, T. (2008). *Crimes of publication and media* (2 ed., Vol. 1). Dar al-Nahdah al-Arabiyyah.